

زندگی قشنگ

پیش چشم تو

علیرضا متولی

می‌خواهم زندگی کنم

این آرزوی هر کسی است که روی زمین زنده است. همه دارند زندگی می‌کنند، اما باز هم وقتی از کسی می‌پرسی برای چه تلاش می‌کنی، می‌گوید: «می‌خواهم زندگی کنم.»
می‌پرسی: «مگر الان زندگی نمی‌کنی؟»
می‌گوید: «می‌خواهم بهتر زندگی کنم.»

از نظر تو زندگی بهتر یعنی چه؟

خوب فکر کن و از پنجره‌های مختلف به موضوع نگاه کن. ممکن است فکر کنی، برای زندگی بهتر به ثروت نیاز داری و برای کسب ثروت، به تحصیلات یا سرمایه و یک ارث کلان. خب، بگذار همین جا ببینیم آیا ثروت برای تو زندگی بهتری می‌سازد؟

می‌بینم که تو هم مطمئن نیستی. راست می‌گویی، بسیاری از ثروتمندان هستند که از زندگی خود لذتی نمی‌برند. بسیاری از ثروتمندان هستند که نه تنها زندگی شیرینی ندارند، بلکه زندگی توأم با دردهای بزرگ، بی‌خوابی‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌های گوناگون دارند.

و البته ثروتمندانی هم هستند که زندگی بسیار شیرینی دارند. آیا ثروت باعث این شیرینی زندگی شده است؟ فکر نمی‌کنم. چون من و تو کسانی را می‌شناسیم که دارایی چندانی ندارند و تقریباً از نظر اقتصادی در یک سطح معمولی و متوسط هستند، اما زندگی آرام و کم‌دردسری دارند. آن‌ها از زندگی در کنار خانواده و فامیل خود لذت عمیقی می‌برند. با این‌که گاهی ممکن است دچار مشکلات مالی شوند، اما زود بر مشکلات خود غلبه می‌کنند و دوباره به زندگی بر می‌گردند.

بیا بید به زندگی یک روستایی نگاهی بیندازیم. بیشتر روستاییان با این‌که از ثروت زیادی برخوردار نیستند، اما از زندگی خود راضی‌اند. ثروت و دارایی همیشه خوب است، اما پول به هیچ‌کس قول نداده است که زندگی را شیرین کند. دانش هم همیشه باعث زندگی خوب نمی‌شود. ممکن است بهترین دانشمند عصر خود باشی، ولی اگر

بله همه‌ی ما می‌خواهیم زندگی بهتری داشته باشیم و این خواسته از ابتدای ظهور بشر، روی زمین وجود داشته است و هم‌چنان هم وجود خواهد داشت. اما انسان‌ها در یک چیز با هم تفاهم کامل ندارند؛ این‌که زندگی بهتر یعنی چه؟
هر کسی از زندگی بهتر تعریفی مخصوص به خود دارد. مثلاً، هم کارگر معدن می‌خواهد بهتر زندگی کند، و هم پزشک متخصص یا مدیر یک شرکت عظیم. من و تو هم می‌خواهیم بهترین زندگی را داشته باشیم. این هدف اصلی همه‌ی ما در زندگی است. حالا باید بگردیم و این هدف را خوب بشناسیم.

توانی از دانشت برای پیشرفت زندگی مردم جامعه‌ات استفاده کنی، اصلاً به درد نمی‌خورد. ممکن است این دانش و تحصیلات برای تو ثروت هم به همراه داشته باشد، اما زندگی رضایت بخش در گروی این‌ها نیست.

آن‌چه که زندگی را شیرین می‌سازد، چیزی که زندگی را دوست داشتنی و آرام‌بخش می‌کند، در دکان ثروت و دانش به دست نمی‌آید؛ هرچند دانشمندان شانس بیشتری برای زندگی بهتر دارند تا ثروتمندان.

حالا شاید بپرسی پس موضوع انشای علم بهتر است یا ثروت چه می‌شود؟ بالاخره کدام یک از این‌ها انسان را از زندگی خود راضی می‌کند؟

پاسخ من این است که همه‌ی این‌ها به اضافه‌ی چیزهایی دیگر. و اگر آن چیزهای اضافه نباشند، هیچ کدام نمی‌توانند باعث زندگی آرام و شاد باشند.

حالا می‌خواهم درباره‌ی آن چیزهای اضافه حرف بزنم. چه ثروتمند باشی و چه فقیر، چه دانشمند باشی و چه بی‌سواد، برای زندگی آرام بیشتر به همین چیزها نیاز داری. و البته اگر این چیزها را به زندگی‌ات اضافه کنی، می‌توانی ثروت و دانش را هم در زندگی خودت داشته باشی.

من نام این چیزها را به صورت یک کلمه‌ی سه حرفی در آورده‌ام؛ کلمه‌ای که معنای عمیقی در آن نهفته است: «طرب» (ط.ر.ب.)

طرب اگرچه کلمه‌ای عربی است، اما در زبان فارسی بسیار از آن استفاده می‌شود. معنای طرب، شادی و سرور است. اما منظور من از کاربرد این کلمه، استفاده از حروف آن برای ابتدای نام آن چیزهایی است که اگر در زندگی ما وجود نداشته باشد، نمی‌توانیم از زندگی خود رضایت کافی به دست بیاوریم. تو می‌توانی تا شماره‌ی بعدی صبر کنی تا درباره‌ی آن‌ها برایت بنویسم. می‌توانی فکر کنی و حدس بزنی چه چیزهایی هستند که زندگی را آرام و دل‌نشین می‌کنند و ابتدای نام‌شان یکی از سه حرف «ط»، «ر» و «ب» است.

آن‌چه که زندگی را شیرین می‌سازد، چیزی که زندگی را دوست داشتنی و آرام‌بخش می‌کند، در دکان ثروت و دانش به دست نمی‌آید

